
پرسش ها و پاسخ ها
پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش نویسنده: مشتاق امام مهدی تاریخ: ۱۳۹۵/۱/۳۱

سلام بر شاگردان بزرگ‌مرد تاریخ زمان عالم ربّانی منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

چندی پیش عدّه‌ای را دیدم که بر سر نظریه‌ی داروین بحث می‌کنند و آن را با اسلام می‌سنجند که متحیّر ماندم!! چراکه این برادران مسلمان قرائت‌های مختلفی از قرآن و حدیث بیان می‌کردند که طرفداران نظریه‌ی داروین غیر عقلی و غیر منطقی می‌دانستند!! حال اگر عالم ربّانی در مورد نظریه‌ی داروین سخنی دارند بفرمایید.

پاسخ تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۱

عقیده‌ی داروین مبتنی بر شواهدی زیست‌شناسانه و استقرائی است که نشان می‌دهد پیدایش موجودات به صورت تکاملی و تدریجی انجام شده و از اصلی واحد و مشترک نشأت گرفته و این عقیده‌ای است که در کلّیّت خود اشکالی ندارد و با عقل و دین سازگار است؛ چراکه از یک سو عقل پیدایش موجودات به صورت تکاملی و تدریجی را مشاهده می‌کند و به عنوان نمونه می‌بیند که گیاهان از بذری بی‌جان جوانه می‌زنند و سر از خاک بیرون می‌آورند و به تدریج تکامل می‌یابند تا آنکه به کمال خود می‌رسند و سپس در سیری قهقرایی به سوی ضعف و خشکی میل می‌کنند تا آنکه می‌پوسند و به خاک باز می‌گردند و حیوانات از نطفه‌ای بی‌جان شکل می‌گیرند و به علقه و مضغه تبدیل می‌شوند و به تدریج تکامل می‌یابند تا آنکه به دنیا می‌آیند و به کمال خود می‌رسند و سپس در سیری قهقرایی به سوی ضعف و پیری میل می‌کنند تا آنکه می‌میرند و به خاک باز می‌گردند و حتّی جمادات نیز از موادّی دیگر ترکیب می‌یابند و به تدریج تغییر شکل می‌دهند و به سوی غایتی که خداوند حکیم برایشان قرار داده است حرکت می‌کنند و از سوی دیگر دین بر آفرینش موجودات به صورت تکاملی و تدریجی تأکید می‌کند و به عنوان نمونه، می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ ۚ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ۖ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾[1]؛ «هان ای مردم! اگر درباره‌ی رستاخیز در شک هستید (به یاد آورید که) ما شما را از خاک و سپس از نطفه و سپس از خونی بسته و سپس از پاره گوشتی شکل گرفته و شکل نگرفته آفریدیم تا برایتان روشن کنیم و در رحم‌ها چیزی که می‌خواهیم را قرار می‌دهیم تا زمانی معیّن و سپس شما را به صورت طفلی بیرون می‌آوریم تا هنگامی که به کمال خود برسید و برخی از شما می‌میرید و برخی دیگر به کهن‌سالی می‌رسید تا پس از دانایی چیزی را ندانید و (نیز) زمین را خشکیده می‌بینی، پس چون آب را بر آن فرو فرستیم می‌جنبد و می‌روید و از هر گونه‌ی زیبایی می‌رویاند»؛ بلکه با صراحت آفرینش انسان را ﴿خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ﴾[2]؛ «آفرینشی پس از آفرینشی دیگر» می‌نامد و می‌فرماید: ﴿وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾[3]؛ «شما را به صورت مرحله به مرحله آفریده است»؛ همچنانکه از بازگشت همه‌ی موجودات زنده به «آب» به مثابه‌ی اصل واحد و مشترک آن‌ها پس از ایجاد گشایش بزرگ در کیهان خبر می‌دهد و می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ۖ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾[4]؛ «آیا کسانی که کافر شدند ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم بسته بود، پس آن‌ها را از هم گشودیم و از آب هر چیز زنده‌ای را برساختیم؟! آیا پس ایمان نمی‌آورند؟!».

با این وصف، پیدایش موجودات به صورت تکاملی و تدریجی و از اصلی واحد و مشترک، حقیقتی است که پدید آورنده‌ی آن‌ها پیش از دیگران از آن خبر داده است، ولی به نظر می‌رسد که داروین و طرفدارانش در درک ابعادی از آن دچار اشتباه شده‌اند؛ چراکه از یک سو در ترسیم فرآیند تکامل تدریجی موجودات به استقراء ناقص تکیه کرده‌اند، تا حدّی که اشتراک آن‌ها در برخی ژن‌ها را به معنای اتّحاد آن‌ها با هم در گذشته پنداشته‌اند و مثلاً مدّعی شده‌اند که انسان به دلیل اشتراکش در برخی ژن‌های میمون، از میمون پدید آمده، در حالی که روشن است اشتراک او در برخی ژن‌های میمون، لزوماً به معنای پدید آمدنش از میمون نیست، بل می‌تواند به معنای پدید آمدنش از چیزی باشد که میمون نیز از آن پدید آمده و آن همانا «آب» است که عناصر مشترکی دارد و منشأ پیدایش همه‌ی جانداران است و از سوی دیگر خام‌اندیشانه پنداشته‌اند که پیدایش موجودات به صورت تکاملی و تدریجی و از اصلی واحد و مشترک، به معنای بی‌نیازی آن‌ها از آفریننده است،

۱. الحجّ/ ۵
۲. الزّمر/ ۶
۳. نوح/ ۱۴
۴. الأنبياء/ ۳۰

در حالی که نیازمندی آن‌ها به آفریننده، از باب نیازمندی حادث به محدث و عدم امکان تسلسل است و هیچ ربطی به دفعی بودن یا تدریجی بودن پیدایش آن‌ها ندارد.

حاصل آنکه پیدایش موجودات به صورت تکاملی و تدریجی و از اصلی واحد و مشترک، یک حقیقت وجدانی و دینی است، ولی تصویری که داروین و طرفدارانش از فرآیند آن ارائه داده‌اند، خیال‌پردازانه و بی‌ارزش است؛ همچنانکه نتیجه‌گیری ملحدانه از آن، چیزی جز مغالطه و عوام‌فریبی نیست.

تعلیقات
پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

پرسش فرعی ۱ — **نویسنده: یاور خراسانی** — **تاریخ: ۱۳۹۷/۷/۲۴**

یکی از مدّعیان دروغین امامت و مهدویّت در تفسیر آیه‌ی «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» گفته است: «این همان گوناگونی‌های جسمانی رو به تکاملِ فزاینده است که از آن عبور کرده‌ایم تا در نهایت به این جسمی که از یک ابزار فوق‌العاده هوشمند برخوردار است، رسیده‌ایم. در نتیجه این جسم شایستگی متصل شدن به نفْس آدم (ع) را پیدا کرده است. البته هیچ مانعی وجود ندارد که مراحل رشد و تکامل، طی میلیاردها سال صورت پذیرفته باشد تا سرانجام به جسم و بدنی رسیده باشد که برای نزول نفس آدم (ع) و منتشر شدن آن در فردی از آن گروه -در حالی که او در رحم مادرش بوده است- شایستگی پیدا کرده باشد».

این یعنی نظریه تکامل. لطفاً برای ما توضیح دهید که دچار شبهه نشویم.

پاسخ به پرسش فرعی ۱ — **تاریخ: ۱۳۹۷/۷/۲۵**

تکامل به صورتی که این مدّعی دروغین و سایر داروینیست‌ها ادّعا می‌کنند، واقعیّت ندارد و بر خلاف نصوص قرآن کریم است. مراد قرآن کریم از ﴿وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾ تکامل به این صورت نیست، بل تکامل از آب و خاک و نطفه و عَلَقه و مُضغه است که خود از آن خبر داده و فرموده است: ﴿فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ ۚ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ﴾[1]؛ «ما شما را از خاک و سپس از نطفه و سپس از خونی بسته و سپس از پاره گوشتی شکل گرفته و شکل نگرفته آفریدیم

۱. الحجّ/ ۵

تا برایتان روشن کنیم و در رحم‌ها چیزی که می‌خواهیم را قرار می‌دهیم تا زمانی معیّن و سپس شما را به صورت طفلی بیرون می‌آوریم تا هنگامی که به کمال خود برسید».

آری، ممکن است تبدیل آب و خاک به آدم علیه السلام، فرآیندی تدریجی و تکاملی بوده و مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته باشد؛ همچنانکه ممکن است جسم انسان در طول هزاران سال، تغییراتی یافته و مثلاً کوتاه‌تر و کوچک‌تر شده باشد؛ همچنانکه ممکن است پیش از آدم علیه السلام، مخلوقاتی «انسان‌نما» در زمین بوده باشند و حتّی برخی از فرزندان آدم علیه السلام با برخی از آن‌ها رابطه‌ی جنسی برقرار کرده باشند، ولی در هر صورت، پیش از آدم علیه السلام، انسانی وجود نداشته است و نیای انسان، مخلوقاتی میمون‌گونه پیش از آدم علیه السلام به نام کپی‌های بزرگ نبوده‌اند. اعتقاد به اینکه چنین مخلوقاتی، نیای مشترک شامپانزه‌ها، گوریل‌ها، اورانگوتان‌ها و انسان‌ها بوده‌اند، با تکیه بر برخی شباهت‌های ظاهری میان آن‌ها، مغالطه و نادرست است. نیای انسان، آدم علیه السلام بوده که از گل آفریده شده و پدر و مادری نداشته و هر ادّعایی مخالف با این، محض توهّم است. بی‌گمان دست برداشتن از وحی با تکیه بر تخمین‌های ناقص و متغیّر بشری، کار عاقلانه‌ای نیست و به خروج از صراط مستقیم می‌انجامد[1].

پرسش فرعی ۲ — نویسنده: جواد عزیزی — تاریخ: ۱۳۹۷/۷/۲۶

مطالبی در سایت شما خواندم که نظریه تکامل را رد کرده بود، در حالی که انتخاب طبیعی صحت و واقعی بودنش بارها چه در سطح مولکولی و چه در سطح جمعیت‌ها اثبات شده است و با اتکا به آن علم رو به پیشرفت است. حداقل این احتمال را بدهید که برداشت شما از منابع دینی صحیح نیست و نیاز به تجدید نظر هست یا حداقل این نظریه به جز انسان در مابقی موارد صحیح است یا چه اصراری هست که آدم مستقیماً از آب و خاک به وجود آمده است؟ این که منشأ حیات از آب و خاک باشد و طی همین روند تکاملی داروینی انسان خلق شده باشد، چه اشکالی دارد؟ این که شما این نظریه را رد می‌کنید که شواهد بسیاری حتی در جمعیت‌های زنده فعلی آن را تأیید می‌کند، فرضاً قبول، حالا شما چه پیشنهاد جایگزینی دارید؟ صرف رد کردن بدون ارائه مدلی که بتوان آن را آزمود قابل قبول نیست. ممنون می‌شوم اگر توضیح کامل و دقیق بدهید.

---

۱. در این باره، همچنین بنگرید به: نقد و بررسی ۱۴۰ و پرسش و پاسخ ۱۴۷ و ۲۴۸.

پاسخ به پرسش فرعی ۲ **تاریخ: ۱۳۹۷/۷/۲۹**

برادر گرامی!

لطفاً به نکات زیر توجّه فرمایید:

اولاً کسانی که با اعتماد به برخی دستاوردهای دانش تجربی، اخبار قطعی و صریح دین را انکار یا تأویل می‌کنند، کار درستی انجام نمی‌دهند؛ چراکه دانش تجربی به اقتضای اتّکائش بر تجارب محدود و متعارض دانشمندان، همواره ناقص و در معرض تحوّل بوده، در حالی که دین به اقتضای اتّکائش بر وحی، از کمال و ثبات کافی برخوردار است و با این وصف، اخبار قطعی و صریح دین به مراتب از دستاوردهای دانش تجربی قابل اعتمادتر است، مگر در نظر مادّه‌گرایان که وحی را باور ندارند یا از سنخ سایر تجارب بشری و بی‌ارتباط با غیب می‌پندارند. اینجاست که فرق مسلمان و ملحد آشکار می‌شود؛ چراکه مسلمان وحی را معیار شناخت قرار می‌دهد و هر نظریّه را با آن می‌سنجد، تا اگر با آن موافق بود بپذیرد و اگر با آن موافق نبود نپذیرد، در حالی که ملحد حسّ و تجربه را معیار شناخت قرار می‌دهد و هر نظریّه را با آن می‌سنجد، تا اگر با آن موافق بود بپذیرد و اگر با آن موافق نبود نپذیرد و از این رو، عالَم غیب را انکار می‌کند و وجود خالق را نفی می‌نماید و همه چیز را برآمده از «انتخاب طبیعی» می‌شمارد؛ چراکه به دانش محدود و معیوب خود مغرور است و ساده‌لوحانه می‌پندارد که به همه‌ی اسرار جهان پی برده و همه‌ی قواعد و قوانین آن را کشف کرده است و از این رو، به خود جرأت می‌دهد که در برابر وحی قد علم کند و هر چیزی از آن که نمی‌پسندد را انکار یا تأویل نماید؛ چنانکه خداوند درباره‌ی امثال او فرموده است: ﴿فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾[1]؛ «پس چون پیامبرانشان با نشانه‌های روشن به نزدشان آمدند، به دانشی که نزدشان بود شادمان شدند و چیزی که به آن استهزاء می‌کردند بر سرشان آمد».

ثانیاً نظریه‌ی داروین مبتنی بر آن است که آدم علیه السلام به عنوان نخستین انسان از گل آفریده نشده، بل از پدر و مادری غیر انسان به دنیا آمده است که خود زاده‌ی صدها و هزارها نسل از موجودات زنده‌ی گوناگون بوده‌اند و این نظریه‌ای است که ما آن را رد نکرده‌ایم، بلکه آفریدگار آن را رد کرده است؛ چراکه با صراحت و قاطعیّت فرموده است: ﴿وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ﴾[2]؛ «آفرینش انسان را از گل آغاز کرد» و فرموده است: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ﴾[3]؛ «هرآینه ما انسان را از گل خشکیده‌ای (برگرفته) از گل تیره‌رنگ کهنه‌ای آفریده‌ایم»

---

۱. غافر/ ۸۳
۲. السّجدة/ ۷
۳. الحجر/ ۲۶

و فرموده است: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ﴾[۱]؛ «هرآینه ما انسان را از چکیده‌ای از گل آفریده‌ایم» و فرموده است: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ﴾[۲]؛ «انسان را از گل خشک شده‌ای مانند سفال آفرید» و فرموده است: ﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ۝ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾[۳]؛ «هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من آفریننده‌ی بشری از گل هستم؛ پس چون او را برابر کردم و از روحم در آن دمیدم برای او به سجده بیفتید» و فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ﴾[۴]؛ «و از آیات او این است که شما را از خاک آفرید، پس ناگاه بشری شدید که گسترش می‌یابید»، بل شبیه این کار را در آفرینش عیسی علیه السلام تکرار کرد تا جایی برای تأویل آن باقی نماند؛ چنانکه فرموده است: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾[۵]؛ «هرآینه مثل عیسی نزد خداوند مثل آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود باش، پس شد»، بل آن را به دست عیسی علیه السّلام نیز انجام داد تا کسی احتمال ندهد که «منشأ حیات از آب و خاک بوده، ولی طی همین روند تکاملی داروینی»؛ چنانکه به نقل از او فرموده است: ﴿أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ﴾[۶]؛ «هرآینه من برای شما از گل چیزی به شکل پرنده می‌سازم و سپس در آن می‌دمم، پس به اذن خداوند پرنده می‌شود» و روشن است که این آیات و آیات مشابه دیگر، صریح در این معنا هستند، تا حدّی که اراده‌ی معنایی دیگر از آن‌ها إغراء به جهل است که بر خداوند جایز نیست و با این وصف، بیرون کشیدن نظریه‌ی داروین از آن‌ها، جز با سفسطه و تحکّم امکان ندارد؛ کاری که اگر روا داشته شود، اعتباری برای صریح‌ترین نصوص دینی باقی نمی‌ماند و استوارترین مبانی دین متزلزل، بلکه ویران می‌گردد؛ چیزی که بعید نیست هدف غایی داروینی‌ها باشد. عجیب است که با این همه، جناب‌عالی می‌فرمایید: «این احتمال را بدهید که برداشت شما از منابع دینی صحیح نیست»؛ غافل از آنکه اگر این احتمال را بدهیم، باید فاتحه‌ی دین را بخوانیم؛ چراکه صریح‌ترین نصوص آن هم معنا ندارد و به منزله‌ی شعر و مغالطه است! با این وصف، بهتر است که شما این احتمال را بدهید که برداشت‌تان از منابع دینی صحیح نیست؛ چراکه ما صریح آیات قرآن را یاد می‌کنیم و صریح آیات قرآن، برداشت ما از منابع دینی محسوب نمی‌شود!

ثالثاً تکامل و انتخاب طبیعی در موجودات به معنای بقاء صفات مفید و زوال صفات مضر در آن‌ها به مرور زمان، می‌تواند واقعیّت داشته باشد، ولی نه در حدّی که جایگزینی برای آفرینش الهی باشد؛

---

۱. المؤمنون/ ۱۲
۲. الرّحمن/ ۱۴
۳. ص/ ۷۱ و ۷۲
۴. الرّوم/ ۲۰
۵. آل عمران/ ۵۹
۶. آل عمران/ ۴۹

چراکه آفرینش الهی از نیازمندی حادث به محدث و عدم امکان تسلسل لازم می‌آید و از دفعی بودن یا تدریجی بودن حدوث تبعیّت نمی‌کند؛ همچنانکه نمی‌تواند مبیّن چگونگی پیدایش آدم علیه السلام به عنوان نخستین انسان باشد؛ زیرا تکامل و انتخاب طبیعی حتّی اگر یک رویّه در میان موجودات باشد، رویداد خلاف رویّه همواره ممکن است و با این وصف، نمی‌توان بر پایه‌ی آن پیدایش همه‌ی موجودات را توضیح داد؛ همچنانکه به عنوان مثال، نمی‌توان پیدایش عیسی علیه السلام بدون پدر و آفرینش پرنده از گل به دست او و زنده شدن چهار پرنده‌ی له شده به دست ابراهیم علیه السلام و زنده شدن الاغ پوسیده در برابر عزیر علیه السلام را توضیح داد. به دیگر سخن، اگر پیدایش یک موجود بر پایه‌ی تکامل و انتخاب طبیعی ممکن است، آفرینش دفعی یک موجود توسّط خداوند نیز امکان دارد و واقع شده است و با این وصف، زیست‌شناسی نمی‌تواند مشخص کند که کدام موجود به صورت دفعی آفریده شده و کدام موجود صرفاً ناشی از تکامل و انتخاب طبیعی بوده است؛ مگر از طریق تمثیل و استقراء ناقص که صرفاً مفید ظن و تخمین هستند. تنها چیزی که می‌تواند این کار را انجام دهد، وحی است و وحی مشخص کرده که آدم علیه السلام به عنوان نخستین انسان، ناشی از تکامل و انتخاب طبیعی نبوده، بلکه توسّط خداوند و بدون پدر و مادر آفریده شده و با این وصف، اصرار بر اینکه او ناشی از تکامل و انتخاب طبیعی بوده و برادر خونی شامپانزه، گوریل و اورانگوتان است، پیروی از ظن و تخمین در برابر وحی است؛ چنانکه خداوند درباره‌ی اهل آن فرموده است: ﴿إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾[1]؛ «آنان جز از ظن پیروی نمی‌کنند و آنان جز تخمین نمی‌زنند».

رابعاً پیشنهاد ما همان چیزی است که اسلام فرموده و آن آفرینش آدم علیه السلام از گل با دست قدرت پروردگار است؛ کاری که ممکن است هزاران سال یا زمانی کوتاه مشابه زمان ساختن مجسّمه‌ی گلی توسّط عیسی علیه السلام طول کشیده باشد، ولی در هر حال واقع شده و تصدیق آن بر هر مسلمانی واجب است. اما آیا ممکن است سایر جانوران، دست کم در سطح زیرراسته‌ها یا خانواده‌ها، از طریق تکامل و انتخاب طبیعی آفریده شده باشند، به این ترتیب که مثلاً همه‌ی گربه‌سانان، از یک نیا و همه‌ی سگ‌سانان، از یک نیا و همه‌ی خرس‌واران، از یک نیا پدید آمده باشند؟ آری؛ چراکه خداوند از چگونگی پیدایش آن‌ها خبر نداده؛ مگر جن که درباره‌ی آن فرموده است: ﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ﴾[2]؛ «و جن را از زبانه‌ای از آتش آفرید».

بنابراین، وجود تکامل و انتخاب طبیعی در میان مخلوقات، ممکن است، ولی نه به صورت قانونی همگانی و غیر قابل تخلّف که داروینی‌ها می‌پندارند و بر پایه‌ی آن، آفرینش آدم علیه السلام و گاه حتّی وجود آفریدگار را نفی می‌کنند، بل به صورتی محدود که وحی از آن خبر داده است.

---

۱. الأنعام/ ۱۱۶
۲. الرّحمن/ ۱۵

از این رو، به جناب‌عالی توصیه می‌کنیم که فریفته‌ی تبلیغات غربیان نشوید و تصوّر نکنید که سخن آنان در این باب، سخن آخر است؛ چنانکه خداوند درباره‌ی امثال آنان فرموده است: ﴿مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾[1]؛ «من آنان را بر آفرینش آسمان‌ها و زمین و بر آفرینش خودشان شاهد نساختم و هرگز گمراه کنندگان را بازوی خود قرار ندادم»؛ خصوصاً با توجّه به اینکه سخن دانشمندان در این باب یکسان نیست، بلکه بسیاری از آنان مخالف نظریه‌ی داروین هستند و اشکالات متعدّدی را بر آن وارد می‌دانند و حتّی برخی معتقد هستند که این نظریّه‌ی غلط و کوته‌بینانه، به پایان عمر خود رسیده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
بخش پاسخگویی به پرسش‌ها



۱. الکهف/ ۵۱